

محورها و مصادیق حقوق شهروندی از منظر امام خمینی(ره)

امیر عظیمی دولت‌آبادی^۱
مهسا میرحسینی^۲

چکیده

حقوق شهروندی علیرغم قرابت‌هایی که با حقوق بشر دارد، ولی از آن متمایز است. حقوق شهروندی دلالت بر مجموعه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی دارد که افراد به سبب عضویت در یک دولت - ملت از آن برخوردار می‌شوند و توسط قانون از آن حقوق پاسداری و حمایت می‌گردد. سابقه برخورداری شهروندان از این حقوق اگرچه به ظهور دولت-ملت‌های مدرن باز می‌گردد اما صورت‌بندی آن توسط اندیشمندان سیاسی و حقوقی و ورود آن در قوانین کشورها، به‌خصوص کشورهای جهان سوم، سابقه کمتری داشته و عمدتاً به دهه‌های اخیر مربوط می‌شود. مدعایی که در این مقاله در پاسخ به این پرسش که حقوق شهروندی چه جایگاهی در نزد بیانگذار جمهوری اسلامی داشته است، دنبال می‌شود این است که با وجود سابقه اندک حقوق شهروندی در ایران و با وجود شرایط خاص جامعه ایران در ابتدای پیروزی انقلاب، حقوق شهروندی در نزد امام خمینی(ره)، مسأله و دغدغه‌ای جدی بوده است و علیرغم آن که ایشان از این مفهوم در آثار و بیانات خود استفاده نکرده‌اند ولی محورها و مصادیق آن در سیره نظری و عملی ایشان مورد تأکید و توجه ویژه بوده است. این توجه می‌تواند در شرایط فعلی جامعه ایران راهگشای بسیاری از مشکلات این حوزه باشد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی(ره)، حقوق شهروندی، حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی

مقدمه

سابقه «شهروندی» اگرچه به دولت شهرهای یونان باستان برمی‌گردد که برحسب آن به افراد وفادار به دولت، شهروند گفته می‌شد و از این‌رو قدمتی طولانی دارد؛ اما شهروندی در معنای مدرن آن ناظر به ارتباط فرد و دولت است که طی آن از سویی فرد مرهون وفاداری به دولت و از طرف دیگر، مستحق حمایت از جانب دولت است. به عبارت دیگر، در این معنا شهروندی در چهارچوب رابطه دو سویه فرد-دولت تعین پیدا می‌کند. دولت، حمایت و مسئولیت خود را در قبال شهروندان با تأمین حقوق برابر قانونی ایفا می‌کند و شهروندان نیز با ابراز وفاداری سیاسی و انجام تعهدات مدنی، عضویت خود را در اجتماع ملی یا ملت- دولت آشکار می‌سازند (یوسفی و عظیمی، ۱۳۸۷: ۱۰-۵). در حالی که در دیدگاه کلاسیک، شهروندی تنها حاکی از حس تعلق به دولت است، در دیدگاه مدرن، مفهوم شهروندی شامل ویژگی‌ها و عناصر زیر است:

اول: شهروندی با عضویت در ملت- دولت شروع می‌شود.

دوم: شهروندی دارای حقوق و تکالیف معینی است.

سوم: حقوق شهروندی عام است. این حقوق شامل حقوقی است که در قالب قانون درآمده و برای کلیه شهروندان جاری است.

چهارم: شهروندی حاکی از برابری حقوق و تکالیف در محدوده‌ای خاص است (جانوسکی ۱۹۹۷، به نقل از یوسفی ۱۳۸۷: ۶).

شهروندی به‌طور ضمنی به این معنی است که برابری اساسی انسانی از عضویت کامل فرد در یک جامعه سیاسی ملی ناشی می‌شود و در حقوق رسمی برابر تمامی شهروندان تجسم می‌یابد. به عقیده کلمن همین عضویت در جامعه سیاسی و اساساً ساختار دولت- ملت معاصر، مبارزه برای برابری شان شهروندی را همراه با حقوق مربوطه در تمامی حوزه‌های واقعی زندگی به ارمغان آورده است (کلمن، ۱۳۸۰: ۱۲۳). از این‌رو سابقه حقوق شهروندی به ظهور دولت- ملت‌های جدید بازمی‌گردد و می‌توان گفت این مفهوم، مفهوم جدیدی است. با وجود این، صورت‌بندی حقوق شهروندی در ادبیات اندیشمندان سیاسی و حقوقی و ورود آن در قوانین کشورها حتی سابقه کمتری داشته و به دهه‌های اخیر مربوط می‌شود. اگرچه بخشی از مصادیق آن، پیشترها در مقوله «حقوق بشر» تبیین و تشریح شده بود. این موضوع باعث شده است تا برخی به اشتباه، حقوق شهروندی را معادل حقوق بشر در سطح ملی قلمداد کنند. در حالی که باید توجه داشت که این دو با یکدیگر متفاوت‌اند. علیرغم این که شباهت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. حقوق بشر حقوقی است فطری و فراگیر در تمام ادوار و دیار و مطلق از هرگونه قید نسبت به مکان و زمان و زبان و ملیت و مذهب خاص. مجموعه قواعد طبیعی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر یا انقلاب فرانسه یا دیگر معاهدات یا انقلابات و نهضت‌های جهان موجد آن نبوده است بلکه بر وجود آن صحنه گذاشته و تأکید کرده‌اند. لذا صحیح‌تر آن است که قدمت حقوق بشر را به درازای حیات بشری بدانیم. یعنی حقوقی که با تولد جامعه بشری ایجاد شد و همواره به‌صورت صفتی جدانشدنی از انسان به حیات خود ادامه داده

است (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۲). می‌توان گفت در حالی که رویکرد یا مخاطب حقوق بشر هر انسان و همه انسان‌ها و اجتماعی انسانی و مؤسسه‌های اجتماعی است، رویکرد یا مخاطب حقوق شهروندی، اجتماعی است که فرد به‌عنوان شهروند به آن تعلق دارد و موضوع حقوق شهروندی حق شهروند در مشارکت برای سازمان‌دهی به اجتماعی است که در آن می‌زید (معظمی، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۲). بر اساس همین سابقه طولانی است که مقوله حقوق بشر از سوی بسیاری از اندیشمندان و متفکرین مورد بحث و بررسی قرار گرفته ولی مقوله حقوق شهروندی برخلاف آن از سابقه نظری و نظریه‌پردازی چندانی برخوردار نبوده است. امام خمینی(ره) نیز همانند بسیاری از متفکرین معاصر از «حقوق شهروندی» در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود استفاده نکرده‌اند؛ درحالی‌که از مفهوم «حقوق بشر» در بیانات و آثار خود بسیار یاد کرده‌اند. علیرغم این موضوع، مصادیق اصلی حقوق شهروندی در مکتوبات و فرمایشات امام به کرات و با تأکید ویژه‌ای به کار رفته است. در این مقاله این مصادیق و عناصر در اندیشه ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

تحدید مفهومی

مرور سوابق حقوق شهروندی تفاوت‌ها و ابهام‌هایی را در تعریف این مفهوم نشان می‌دهد و این امر ناشی از اختلاف‌نظرهایی است که در تعریف «حقوق» و «شهروندی» وجود دارد. با وجود این، تأکیدات کم و بیش مشترک در دیدگاه‌های مختلف را می‌توان دستمایه‌ای برای استنتاج و ارائه یک تعریف قابل دفاع از حقوق شهروندی قرار داد.

علمای حقوق از زوایای مختلفی مفهوم «حق» و «حقوق» را تعریف کرده‌اند. یکی از تعاریف موجود در این زمینه، این‌گونه ارائه شده است: حق، امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد. براساس این تعریف:

۱. حق از سنخ امتیاز و نفع است که به سود صاحب آن برقرار می‌شود.

۲. حق به شخص تعلق می‌گیرد و قائم به اوست.

۳. برای ایجاد حق، حمایت حقوق از آن ضروری است.

۴. تعلق حق به شخص با توان و اختیار تصرف او ملازمه دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۷۴).

در معنای فوق، حقوق جنبه «شخصی» پیدا می‌کند و مجموعه امتیازاتی است که قواعد و قوانین آن را برای افراد به رسمیت می‌شناسد و دیگر افراد و جامعه موظف به رعایت و احترام به این حقوق می‌باشند. اما در عین حال حقوق جنبه «نوعی» نیز دارد که عبارت از مجموعه قواعد و مقررات ناظر بر روابط گوناگون فردی و اجتماعی است و برای تابعان خود ایجاد حق و تکلیف می‌کند. براساس این قواعد، افراد از یک‌سو، از حقوقی برخوردار می‌شوند و از سوی دیگر مکلف به انجام و یا خودداری از اعمالی می‌شوند

(هاشمی، ۱۳۷۴: ۳). حقوق شهروندی نیز از آن‌جا که هم شامل حقوق و امتیازات شهروندان یک کشور می‌شود و هم شامل وظایف و تکالیف آنها، لذا هم شخصی است و هم نوعی.

اما «شهروندی» یک رابطه است؛ رابطه فرد با دولت و زمانی معنا پیدا می‌کند که دولت حقوق فرد را به رسمیت شناخته و آن را رعایت نماید و فرد نیز نسبت به دولت تعهداتی برعهده بگیرد. شهروندی در عین حال نوعی منزلت اجتماعی است «که جامعه آن را به تمامی اعضای خود اعطاء نموده به موجب آن تمامی افراد از جایگاه حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند» (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷).

به عبارت دقیق‌تر «شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد» (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۴). و به عبارت خلاصه‌تر، شهروندی را می‌توان به عنوان عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت - ملت با حقوق جهان‌شمول (همگانی) و تعهدات، با برخورداری از سطح معینی از برابری، تعریف کرد (جانسون و گرن، ۲۰۰۲: ۱۳). در مجموع، اغلب صاحب‌نظران شهروندی را برآیند ارتباط فرد و دولت دانسته و محتوای آن را بر حسب کیفیت و چگونگی این ارتباط تعیین می‌کنند (یوسفی و عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۷: ۹).

البته باید توجه داشت که صرف عضویت در یک جامعه به منزله شهروندی نیست و شهروندی نباید با ملیت، تابعیت و اقامت یکسان گرفته شود اگرچه با آن‌ها کاملاً مرتبط است. «ملیت بیشتر ناظر به ارتباط با یک دولت خاص است که در عرصه بین‌المللی لازم است دولت از آن حمایت نماید، خواه این ارتباط شخصی، حقیقی و انسانی باشد که تابعیت کشور متبوع خود را به عنوان ملیت آن کشور داراست یا به معنای رابطه اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) و برخی دارایی‌ها (کشتی‌ها و هواپیماها) با یک دولت باشد. این‌ها نیز ملیت دارند اما شهروند نیستند. پس رابطه ملیت و شهروندی رابطه عام و خاص است و ملیت مفهومی وسیع‌تر از شهروندی را داراست» (خوئینی، ۱۳۸۶: ۱۸).

مفهوم شهروندی از مفهوم تابعیت نیز متمایز است. در تابعیت دولت با اعمال حقوق حاکمیت سنتی خود که عبارت است از حفظ امنیت و اجرای عدالت رابطه‌ای حاکمیتی، سیاسی و یک جانبه بین خود و تبعه برقرار می‌سازد، حال آن‌که شهروندی رابطه‌ای حقوقی و دو جانبه بین شهروند و دولت است. شهروند در برابر قدرت دولت فعال است ولی تبعه در مقابل دولت منفعل. شهروندی مبتنی بر اخلاق مشارکت است اما تابعیت مشارکت‌مدار نیست و سرانجام این‌که شهروندی موقعیتی فراگیر و برای همگان مهیا و دسترس است اما تابعیت ماهیتی خاص‌گرایانه و مبتنی بر محروم‌سازی دیگران دارد (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

با وجود این تفاوت‌ها، شهروندی با تابعیت مرتبط است چراکه علیرغم این‌که مفهوم شهروندی به عنوان فردی جدا از ویژگی‌های فرهنگی و تبعه به عنوان عضوی از اجتماعی که براساس ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد در نظر گرفته می‌شود ولی در عین حال «یک شهروند، اغلب عضو یک ملت، یعنی تبعه نیز هست. بنابراین هرچند در شهروندی اصل بر عام‌گرایانه بودن و فراتر رفتن از تمایز فرهنگی

است، ولی شهروندی به طور معمول، در قالب یک دولت- ملت که بر پایه تمایزات فرهنگی- مبنی بر عقیده متفاوت بودن از سایر ملت‌ها - شکل گرفته، تجلی یافته است» (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۶۱). بر همین اساس است که برخی از صاحب‌نظران از ابهامات و تناقضات شهروندی در ارتباط با ملیت و تابعیت سخن می‌گویند. تناقضاتی که بر اثر جهانی‌شدن روزبه‌روز آشکارتر می‌شود. شهروندی با مفهوم اقامت نیز تفاوت دارد و نباید شهروندی را با اقامت دائمی و شهروند را با مقیم اشتباه کرد. چه بسا کسی شهروند کشوری باشد، بی‌آن‌که در آن کشور اقامت داشته باشد، یا مقیم کشوری باشد، بی‌آن‌که شهروند آن باشد (خوئینی، همان: ۱۸).

ذکر این نکته در این‌جا ضروری است که در جهان پیچیده و بهم فشرده کنونی، قلمروها و مرزبندی مفاهیمی چون شهروند، تبعه، مقیم و غیره مرزبندی دقیق و روشنی نیست. سیال بودن قلمروها و حتی حذف آن‌ها جزء ویژگی ذاتی جهان کنونی است. هویت افراد در زمانه‌ای که ما در آن زیست می‌کنیم بر مبنای متنوعی استوار است. «شهروند» تنها یکی از هویت‌های ماست که این‌که می‌توانیم هویت‌های دیگری نیز داشته باشیم. گستره، محتوا و عمق شهروندی است که هویت شهروندی ما را از سایر هویت‌هایی چون تبعه و مقیم مشخص می‌سازد و آن‌را از شکل صوری و غیرعملی آن متمایز می‌سازد. همان‌گونه که تاکنون مرور شد، شهروندی مستلزم برخورداری از حقوق است و «شهروند بودن یعنی برخوردار بودن از این حق که شیوه زندگی و ایده‌آل‌های ذهنی خود را در چارچوب نظم و امنیت اجتماعی مورد احترام ببینیم» (روشه، ۱۳۸۰: ۴۳). از این‌رو می‌توان گفت حقوق شهروندی، مجموعه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که افراد به سبب عضویت در یک دولت- ملت از آن برخوردارند و توسط قانون از آن حقوق پاسداری و حمایت می‌شود.

ابعاد و شاخص‌های حقوق شهروندی

تقسیم‌بندی که توماس هامپری مارشال در مقاله و کتاب تأثیرگذارش «شهروندی و طبقه اجتماعی» از ابعاد حقوق شهروندی و مصادیق آن انجام داده است، تاکنون مهم‌ترین و پرمراجعه‌ترین تقسیم‌بندی و شاخص‌سازی در این زمینه بوده است. مارشال شهروندی را دربردارنده سه نوع حقوق می‌داند:

۱. مدنی: حفظ آزادی‌های فردی شامل آزادی شخص، آزادی بیان، اندیشه و عقیده، حق مالکیت شخص، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت.
۲. سیاسی: حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به‌عنوان یکی از اعضای نهاد برخوردار از اقتدار سیاسی و یا به‌عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن)
۳. اجتماعی: طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری از حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به‌عنوان یک موجود متمدن طبق معیارهای حاکم بر یک جامعه را دربرمی‌گیرد (نش، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

در دیدگاه مارشال تأکید عمده بر مشروعیت حقوق شهروندی اعم از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است. به نظر وی حقوق مدنی ناظر بر آزادی در انعقاد قرارداد و مالکیت اموال (و بنابراین دلالت دارد بر برابری در مقابل قانون) و نیز آزادی تجمع، بیان و اندیشه است. حقوق سیاسی ناظر بر حق مشارکت در روندهای سیاسی (حق رای و نامزد شدن در انتخابات) است و حقوق اجتماعی ناظر بر حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی است که به عنوان مزایای مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می‌گیرد (فیتزپاتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۳).

مارشال در تقسیم‌بندی خود از حقوق شهروندی، نوعی توالی زمانی و تکاملی را در نظر داشت. به عبارت دیگر، وی گسترش حقوق شهروندی از مدنی به سیاسی و سپس اجتماعی را محصول تحولات سرمایه‌داری می‌داند. به عقیده مارشال حقوق مدنی به خاطر ایجاد نیازهای مدرن دادگاه‌های مدنی و جزائی در قرن هجدهم شروع به توسعه کرد. سپس در قرن بیستم با گسترش حق رأی عمومی برای همه افراد بالغ، حقوق سیاسی شروع به گسترش نموده و در همین قرن نیز حقوق اجتماعی با ایجاد نهادهای دولت رفاه شامل نظام ملی آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی، توسعه یافت (نش، همان: ۱۹۳).

اگرچه مارشال بحث خود در باب حقوق شهروندی را با تأکید بر وضعیت جامعه انگلیس ارائه داده بود لیکن نظریه وی توسط متفکران دیگر مورد بهره‌برداری قرار گرفته و تقویت گردیده است. از جمله جانسون و گرن نظریه وی را تکمیل و بسط داده‌اند. به عقیده آن‌ها در یک رویکرد کلی به شهروندی می‌توان چهار نوع حق (مدنی، سیاسی، اجتماعی و مشارکتی) را از یکدیگر تفکیک و تحت عنوان حقوق شهروندی از آن‌ها بهره گرفت (جانسون و گرن، ۲۰۰۲: ۲۰-۱۵).

مصادیق و شاخص‌های حقوق شهروندی از دیدگاه امام خمینی(ره)

مصادیق حقوق شهروندی در دیدگاه امام خمینی(ره) متعدد و متنوع است. در زیر ما آن‌ها را بر اساس دیدگاه مارشال و جانسون که پیش از این مرور گردید، به سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرده و مصادیق عمده آن‌ها را از منظر امام خمینی(ره) مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. حقوق مدنی شهروندان از دیدگاه امام خمینی(ره)

حقوق مدنی به امنیت فردی، عدالت و آزادی شهروندان در تمام زمینه‌ها مربوط می‌شود. در واقع در این جا با موضوع حق حیات شهروندان و تضمینات آن مواجه هستیم. حق حیات یا به عبارت دقیق‌تر امنیت فردی، حق اولیه و اساسی است که به برکت آن شهروندان از سایر حقوق برخوردار می‌شوند. امنیت فردی محوری‌ترین موضوع در حقوق شهروندی است. «منظور از امنیت فردی یا امنیت شخصی این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر مجازات‌های غیرقانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک، بهره‌کشی، بردگی، فحشا و غیره مصون و در امان باشد. مصونیت فردی پایه و اساس تمام آزادی‌هاست

به طوری که با فقدان آن، سایر آزادی‌های فردی معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد» (مؤتمن طباطبایی، ۱۳۸۱: ۴۲). امنیت فردی با شاخص‌هایی چون عدم بازداشت غیرقانونی، منع شکنجه، عدم مداخله در امور خصوصی افراد و نظایر این‌ها قابل سنجش است.

عدالت نیز بعد از امنیت، محور دیگر حقوق مدنی شهروندان را تشکیل می‌دهد. در این‌جا منظور از عدالت همان تضمیناتی است که دولت از طریق وضع قانون و ایجاد ترتیبات نهادی و رویه‌ای نسبت به حقوق شهروندان به عمل می‌آورد. آزادی فکر و آزادی انتخاب، محور سوم حقوق مدنی شهروندان است که با شاخص‌هایی چون آزادی عقیده، بیان، مذهب، مطبوعات و رسانه‌های گروهی و انتخاب شغل و موضوعاتی از این قبیل معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

۱-۱. عدم بازداشت غیرقانونی

باتوجه به دیدگاه امام خمینی(ره) نسبت به انسان و کرامت ذاتی و آزادی او، بازداشت غیرقانونی افراد به هیچ عنوان جایز نبوده و تخطی از آن جرم محسوب می‌شود. ایشان در فرمان هشت ماده‌ای خود که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضائیه و ارگان‌های دولتی صادر نمودند، در این زمینه چنین فرموده‌اند: «هیچ کسی حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰). از نظر امام خمینی(ره) اصل بر برائت افراد است و نمی‌توان آن‌ها را به‌طور خودسرانه و بدون دلایل قانونی دستگیر کرد. لذا ایشان ضمن نهی از تجسس در امور خصوصی افراد و نیز نهی از وارد کردن اتهام‌های بی‌اساس به آن‌ها، بر قانونی بودن کلیه دستگیری‌ها و مجازات مجرمین تأکید می‌کنند.

قابل ذکر است که امام در وضعیتی بر رعایت موازین قانونی و شرعی در تعقیب، دستگیری و محاکمه افراد اصرار می‌ورزند که به دلیل افراط‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این‌گونه اقدام‌های غیرقانونی و اسلامی، زمینه مساعدی داشتند و به‌علت هرج و مرج، برخی از افراد تندرو به خود اجازه می‌دادند که به‌خاطر احساس مسئولیت، به روش‌هایی غلط توسل جویند که در نگاه اول، طبیعی هم به‌نظر می‌رسید، ولی حضرت امام(ره) حتی در آن دوره رعایت ضوابط شرعی، عطف‌ت اسلامی و اخلاق را ضروری می‌دانند.

۱-۲. رعایت حریم خصوصی شهروندان

دخالت در زندگی شخصی افراد و تجسس در احوال آن‌ها به‌شدت از سوی حضرت امام نهی شده است. در فرمان هشت ماده‌ای امام می‌خوانیم «هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر

یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰).

امام خمینی (ره) در ادامه این فرمان با مستثنی کردن امر تجسس برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروهک‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها و مردم بی‌گناه را دارند، می‌فرماید: «مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخص یا محل کار کسی وارد شدند و در آن با آلت لہو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحراف مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن‌را پیش دیگران افشا کنند، چراکه اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن‌را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد» (همان: ۱۴۲).

مصونیت دارایی افراد از تعدی و تجاوز دیگر افراد و حکومت نیز بخشی از حقوق مربوط به امنیت فردی شهروندان است. دارایی افراد و مالکیت آن‌ها از دیدگاه امام خمینی (ره) کاملاً محترم است. تردیدی نیست که امام خمینی (ره) به‌عنوان یک اسلام‌شناس سرآمد و مجتهد جامع‌الشرایط اصل مالکیت انسان را قبول دارد و احکام و مقررات فراوان آن را در کتاب‌های فقهی استدلالی و فتوایی بیان کرده است. اما در مورد حدود مالکیت با توجه به مقتضیات اجتماعی و مصالحی که توسط حکومت مشروع اسلامی تشخیص داده می‌شود ایشان قائل به شرایط و چارچوب‌هایی هستند. همان‌گونه که در سایر نظام‌های حقوقی نیز برای مالکیت محدوده‌هایی تعیین شده است در نظام حقوقی اسلام نیز برای مالکیت چارچوبی تعیین گردیده است که براساس آن مصلحت جامعه اسلامی بالاتر از مالکیت فردی در نظر گرفته شده است. براساس قاعده اصولی «اهم و مهم» باید آن مصلحتی که حکومت مشروع اسلامی بر پایه آن حق مالکیت را محدود می‌کند بالاتر و مهم‌تر از حق شناخته شده مالکیت شخصی باشد. لذا مالکیت افراد تا زمانی که با حقوق دیگران و مصالح عمومی تزاخم پیدا نکند از جانب دولت اسلامی کاملاً مصون است (صرامی، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

۳-۱. منع شکنجه و رفتارهای توهین‌آمیز

به‌کارگیری شکنجه در هر وضعیتی مردود است. دلایلی نظیر تهدید امنیت داخلی، تهاجم خارجی، تروریسم و یا مصلحت نظام سیاسی به هیچ وجه اعمال شکنجه و یا رفتارهای خشن و موهن را توجیه نمی‌کند. قاعده منع شکنجه قاعده‌ای است جهانی و در هر زمان و در هر شرایط اطلاق دارد. مبنا و اساس این حق، حیثیت و مقام ذاتی بشر است که همه افراد خانواده بشری باید آن را درباره یکدیگر به رسمیت بشناسند (رضوی و خزایی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). دین اسلام نیز از آن‌جا که دین مبتنی بر فطرت است رعایت آن‌چه را که مربوط به شان و منزلت انسان است را از واجبات می‌شمارد. «بنابراین با توجه به شرافت و نفاست منزلت انسانی در معرفت دینی، شارع تحمیل هرگونه ایذاء و رنج بر دیگری را (اگر چه به‌صورت

خفیف‌ترین وجه ممکن باشد) موكداً ممنوع ساخته است. مکتب اسلام شدت زشتی این نحو رفتار را با رنج و ایذاء خداوند سبحان همسنگ قلمداد کرده است» (صادقی، ۱۳۸۰: ۴).

از همین منظر، امام به عنوان یک عالم و عامل به آموزه‌های بلند اسلامی، مصونیت جان و مال مردم در حکومت اسلامی را ویژگی مهم آن دانسته و بر آن تأکید فراوانی می‌کردند؛ به نحوی که در فرمایشات خود، یکی از تفاوت‌های حکومت اسلامی با حکومت طاغوت را در همین نکته ذکر می‌نمودند. کرامتی که امام خمینی(ره) برای انسان قائل است هرگونه تعرض به جان افراد را به شدت محکوم می‌کند. حتی مجرمین نیز در این دیدگاه نباید مورد بدرفتاری قرار گیرند. امام با هرگونه بدرفتاری، هتک حرمت و شکنجه متهمین حتی برای کسب اطلاعات مخالفند و در این زمینه بر انسانی بودن وضعیت زندان‌ها بیش از همه تأکید می‌کنند و خوش رفتاری با آنان را یک دستور اسلامی می‌دانند و معتقدند مجرم هرکس که باشد و مرتکب هر جرمی هم که شده باشد نباید با او بدرفتاری شود (رنجبر، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

امام خمینی(ره) در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به این موضوع، می‌فرماید: «مگر طاغوت چی بود؟ طاغوت همین بود که جان و مال مردم در امان نبود در زمان او. اگر بنا باشد که جان و مال مردم در این زمان هم از قوای انتظامیه در امان نباشد، این همین طاغوت است، منتها به صورت دیگر آمده بیرون و طاغوتی که به صورت مسلم بیرون بیاید، خطرش از آن طاغوت بدتر است» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۴۰۸).

و در جای دیگری می‌فرماید «به قوه قضاییه عرض می‌کنم که مسأله قضا یک مسأله بسیار مهمی است که اگر انسان در آن قصور بکند، تقصیر بکند، ضرر وارد می‌شود. اگر تقصیر باشد، پیش خدای تبارک و تعالی مسئول است و اگر چنانچه زیاده‌روی بکند، این هم همین‌طور. میزان، احکام اسلام است. در اجرای حدود، نباید از آن حدودی که حق تعالی فرموده است، پایینتر عمل بشود و نباید زیادتر. حتی آن کسی را که الان محکوم به قتل شده است و دارند می‌برندش در جایی که او را بکشند، هیچ کس حق ندارد حتی یک کلمه درشت به او بگوید؛ اجرای حکم خداست. اگر کسی یک سیلی به او زد، او حق دارد در همان جا، یک سیلی برگرداند و باید هم دیگران کمک کنند تا او قصاص بکند. اگر یک درشتی کرد، آن کسی که درشتی کرده است تعزیر لازم دارد، باید قوه قضاییه تعزیر کند او را» (همان، ج ۱۹: ۳۲۶).

ایشان در پیامی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در همین رابطه می‌فرمایند «از اموری که هر چه بیشتر باید به آن توجه شود رفاه حال زندانیان است. چه گروه‌هایی که بر ضد جمهوری اسلامی قیام مسلحانه نموده و مردم بی‌گناه کوچه و بازار را به خاک و خون کشیده‌اند؛ و چه کسانی که با فروش و توزیع مواد مخدره فرزندان کشور را به فساد کشانده‌اند؛ و چه سایر گناهکاران. اینان اکنون اسیران شما هستند، و به دست خود به اسارت کشیده شده‌اند. با اسرای خود، چه اینان و چه اسرای جنگی، رثوف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید؛ و زندان‌ها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید، چنانچه تاکنون عمل کرده‌اید، تا منحرفان و گناهکاران شیرینی عدالت اسلامی را بچشند، و به اسلام و نظام اسلامی روآورند؛ و از روی حقیقت توبه کنند و بازگشت به اسلام و خدای متعال نمایند، که باب رحمت گناهکاران را بهتر جذب می‌کند. حتی آن کس که مستحق حدود الهی است، از قتل و دیگر

جزاها، باید از عطفوت مأموران، تا پای دار و محل مجازات، برخوردار باشند. و شورای عالی قضایی و ستاد پیگیری در بررسی وضع زندانیان تسریع نمایند. و هرکس استحقاق عفو دارد به فوریت معرفی نمایند تا عفو شوند و به زندگی آزاد خود ادامه دهند، و ان شاء الله عضو فایده بخش و فعال برای میهن خود گردند» (همان، ج ۱۸: ۳۴۴).

۴-۱. عدالت قضایی

دسترسی به عدالت و فرایند اجرای آن شاخص مهم دیگری در حقوق شهروندی است. منظور این است که حقوق افراد در زمینه دسترسی به دادگاه، محاکمه عادلانه و با حضور هیأت منصفه، وکیل، شاهد، هزینه‌های مربوط به دادرسی و غیره در یک جامعه تا چه میزان رعایت می‌شود. در این جا بیشتر معنا و کاربرد عدالت در زمینه قضا مورد نظر است و در اندیشه امام خمینی (ره) نیز می‌توان آن‌ها را در موضوعاتی چون تساوی همگان در برابر قانون و دادگاه، حق دادخواهی و حق دفاع از خود و غیره پیگیری کرد. عدالت در شکل مطلوب و واقعی آن برای امام خمینی (ره)، عدالت حضرت علی (ع) است. «ما باید از کیفیت حکومت حضرت امیر - سلام الله علیه - اقتباس بکنیم و یاد بگیریم؛ منتها ما نمی‌توانیم تمام آن جهات را [فراهم کنیم]» (صحیفه امام، ج ۵: ۳۰).

امام خمینی (ره) در بحث از عدالت، بر تساوی همگان در برابر قانون بسیار تأکید نموده‌اند، در جایی فرموده‌اند: «در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است، و آن قانون الهی در اسلام قانون مطرح است، همه تابع قانون‌اند و قانون هم قانون خداست. قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است» (همان، ج ۹: ۴۲۵). از دیدگاه امام خمینی (ره) تساوی در مقابل قانون شامل همگان است. «در اسلام همه کس حتی پیامبر عظیم‌الشأن (ص) در مقابل قانون بی امتیاز در یک صف هستند و احکام قرآن و اسلام بر همه جاری است و شرف و ارزش انسان‌ها در تبعیت از قانون است که همان تقواست و متخلف از قانون مجرم و قابل تعقیب است» (همان، ج ۱۴: ۲۲۱). و یا «همه در مقابل خدای تبارک و تعالی حاضرند، چه حاکم و چه محکوم، پیغمبر و چه امام و چه سایر مردم.» (همان، ج ۱۱: ۲) و در سخن دیگر فرموده‌اند «حاکم، یعنی شخص اول مملکت، اگر یک کسی یک چیزی داشته باشد، شکایتی داشته باشد از او، پیش قاضی می‌رود و او را حاضرش می‌کند و او هم حاضر می‌شود» (همان، ج ۱۴: ۳۹۷).

در بحث عدالت موضوع قضاوت موضوعی است که همواره مورد توجه امام بوده است. ایشان همواره مسئولین و قضات را به اهمیت و حساسیت کار قضاوت در جامعه اسلامی توجه داده و دقت در این امر را یادآور می‌شدند. در این خصوص موارد بسیاری می‌توان از امام نقل کرد که در این جا ما تنها به یک مورد از سفارشات ایشان بسنده می‌کنیم. «اهمیتی که اسلام به قضاوت داده است به کمتر چیزی داده است. امروز دستگاه دادگستری و دادگاه‌های انقلاب پاسبان آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام است و انحراف در قضا مردم را از این دستگاه مأیوس و به جمهوری اسلامی و روحانیون بدبین می‌نماید. مسؤولان بالای قضایی موظفند در نهادهای مذکور نظارت کامل داشته و از انحرافات جلوگیری نمایند؛ و

روحانیونی که در امر قضا گماشته شده‌اند بدانند که بالاترین مسؤلیت را به عهده گرفته و انحراف به هر نحو از آنان متوقع نیست و با آنان سختگیری خواهد شد» (همان، ج ۱۴: ۲۱۸).

۵-۱. آزادی بیان و عقیده

آزادی از نگاه امام خمینی(ره)، یکی از بنیادهای اسلام را تشکیل می‌دهد «یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است. انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است» (همان، ج ۴: ۲۴۲). مهم‌ترین آزادی از دیدگاه حضرت امام(ره)، آزادی فکر و اندیشه است. حضرت امام یکی از ویژگی‌های انسان کامل را تکیه بر برهان و استدلال و اجتناب از تحمیل عقائد می‌داند و اصولاً معتقدند که تحمیل عقائد امری غیرممکن است و «اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است؛ و از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسد، و از طرح مکتب‌های دیگر که انحراف آن‌ها در محیط خود آن مکتب‌ها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد» (همان، ج ۱۰: ۸۱).

در عین حال در اندیشه امام خمینی(ره)، آزادی در پناه اسلام معنا پیدا می‌کند و به خودی خود هدف نیست و چارچوب‌های آن نیز توسط اسلام و مصالح جامعه تعیین می‌گردد (همان، ج ۱۰: ۹۱). واضح است در جایی که گستردگی آزادی بیان منجر به ضرر جامعه یا حقوق افراد شود به هیچ‌وجه مورد پذیرش اسلام نیست و بر آن حد و مرز ترسیم شده است. مواردی از قبیل اضلال، دروغ، غیبت، تهمت و غیره نه تنها مجاز نیست بلکه محکوم شده و در مواردی مستوجب عقاب دنیوی و اخروی نیز است (بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲: ۱۳). از دیدگاه امام، آزادی عقیده و بیان حتی برای گروه‌ها و افراد مخالف حکومت اسلامی نیز باید تأمین شود مگر آن‌که قصد توطئه و خراب‌کاری از سوی آنها درکار باشد. «در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند و لکن آزادی خراب‌کاری را ندارند» (همان، ج ۴: ۴۳۵-۴۳۶).

حضرت امام(ره) مفهوم آزادی را با برخی مفاهیم دیگر همچون امنیت، استقلال و سعادت پیوند دادند. ایشان معتقدند آزادی در چارچوب امنیت است که محقق می‌شود و منجر به سعادت جامعه می‌گردد. از نظر ایشان آزادی آن است که فرد با احساس امنیت از آزادی اش بهره‌برداری کند و گرنه آزادی همراه با اضطراب و ترس ارزش ندارد.

۶-۱. آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی

از دیدگاه امام خمینی(ره)، مطبوعات و رسانه‌های گروهی نقش مهمی در جامعه دارند. آن‌ها علاوه بر اطلاع‌رسانی، نقش تربیتی نیز عهده دارند. به بیان ایشان «نقش مطبوعات در کشورها منعکس کردن آرمان‌های ملت است، مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت را و جوانان را تربیت می‌کنند و آرمان ملت را منعکس می‌کنند» (همان، ج ۷: ۳۲۳) و دولت‌ها نیز نباید در این مسیر مانع فعالیت آن‌ها شوند. حفظ آزادی مطبوعات لازم است و آن‌ها «در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند» (همان، ج ۴: ۲۶۶). از نظر امام، آزادی مطبوعات حدودی دارد و آن‌ها نباید مخالف اسلام و مصالح ملت فعالیت نموده و مطالبی منتشر نمایند. از نظر امام مطبوعات و رسانه‌های گروهی باید در راستای خدمت به مردم فعالیت

کنند. لذا رعایت موازین اسلامی و قانونی، مصالح جامعه و اصول اخلاقی از سوی مطبوعات ضروری است.

صدا و سیما نیز به‌عنوان یک رسانه بسیار تأثیرگذار همواره مورد توجه امام بوده است. ایشان صدا و سیما را مرکز و دستگاه تربیتی می‌دانند که در آموزش راه و روش صحیح زندگی نقش بسزایی ایفا می‌کند. «این دستگاه‌ها [رادیو، تلویزیون] دستگاه‌های تربیتی است؛ باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند: یک دانشگاه عمومی است ... یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است. باید این دستگاه دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام این‌ها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد، از غرب‌زدگی بیرون کند؛ استقلال به مردم بدهد» (همان، ج ۶: ۴۰۰). از منظر امام این رسانه نباید در خدمت دسته یا گروه خاصی بوده بلکه باید در خدمت مردم باشد و مستقل عمل نماید. لازمه استقلال، بی‌طرفی است و در صورت مستقل و بی‌طرف بودن است که می‌توان همه انتقادات را پوشش داد و بیان کرد.

ویژگی اصلی که امام خمینی(ره) برای صدا و سیما مطرح می‌کنند و در واقع وجه مشخصه‌ی آن با رادیو و تلویزیون زمان شاه است، بیان «همه‌گونه انتقاد» بی‌طرفانه است. به همین جهت است که «حضرت امام با تبدیل شدن صدا و سیما به بلندگوی دولت مخالفند، ایشان عقیده دارند که وظیفه‌ی صدا و سیما به‌جای توجیه‌گری، انتقاد بی‌طرفانه از عملکرد دولت است و اگر به این وظیفه خود عمل نکند، همان‌طور که حضرت امام به صراحت بیان می‌کنند، تفاوتی با رادیو و تلویزیون زمان شاه نخواهد داشت» (رنجبر، همان: ۱۵۹).

۷-۱. آزادی انتخاب شغل

آزادی در انتخاب شغل یکی از حقوق مهم شهروندی است که مورد توجه و تأکید امام خمینی(ره) نیز بوده است. «در اسلام آزادی انتخاب شغل برای هر فردی برحسب ضوابط قانونی محفوظ است» (صحیفه امام، ج ۳: ۱۰۰). و نباید بی‌دلیل محدود شود. نامه امام خمینی(ره) در سال ۶۱ به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری درباره انحلال هیأت‌های گزینش در وزارتخانه‌ها و نهادها به‌خوبی گویای این موضوع است که ایشان محدودیت‌های غیرقانونی و بی‌دلیل را در مورد شغل افراد و استخدام آن‌ها به‌هیچ‌عنوان بر نمی‌تابید. از همین‌رو در همان زمان دستور می‌دهند که: میزان در گزینش، حال فعلی افراد است. امام خمینی(ره) با اشاره به معیارهای اسلامی و سؤالات مطرح شده در گزینش افراد تأکید می‌کنند که «اگر افرادی، چه به واسطه سؤال‌های شرعی که دانستن آن‌ها برای این اشخاص لزوم ندارد و چه سؤال‌های ناروایی که به اسلام ارتباط ندارد، از ادارات و یا وزارتخانه‌ها یا دیگر مراکز اخراج شده‌اند و یا به‌واسطه آن استخدام نشده‌اند، تشخیص داده تا اگر اخراج یا عدم پذیرش به صرف این امور اشتباه آن بوده است، آنان را به محل خود برای خدمت برگردانند که این نحوه عمل که با آن‌ها شده است ظلم فاحش است و محروم نمودن کشور از اشخاص مفید می‌باشد که از همه این‌ها باید جلوگیری شود» (همان: ۲۲۱).

۸-۱. آزادی اقلیت های مذهبی

از نظر امام خمینی(ره)، اقلیت های مذهبی در حکومت اسلامی، آزادی انجام فرایض مذهبی را دارند. اقلیت های مذهبی می توانند به طور آزادانه به اعمال مذهبی خود بپردازند. مذهب آنان موجب تبعیض علیه آنان نخواهد شد. از نگاه امام اقلیت های مذهبی می توانند اظهار عقیده کنند؛ اما نباید از این آزادی عقیده بهره برداری سوء نمایند. به عقیده ایشان «اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان ها قرار داده است، بهره مند شوند» (همان، ج ۴: ۳۶۳)

۲. حقوق سیاسی شهروندان از دیدگاه امام خمینی(ره)

۲-۱. حق رأی

حق رأی جزء مهم حقوق سیاسی شهروندان محسوب می شود و با حق تعیین سرنوشت کاملاً مرتبط می باشد. به این معنا که شهروندان حق رأی دارند چون خودشان باید سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حق تعیین سرنوشت در مقابل تحمیل اراده قرار می گیرد. لذا برای آن که افراد بتوانند سرنوشت خودشان را تعیین کنند نباید تحمیل اراده ای از سوی حکومت ها وجود داشته باشد. «ما بنای آن را نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آزادی ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آن ها تبعیت می کنیم» (همان، ج ۱۱: ۳۴). جمله مشهور «میزان رأی ملت است» (همان، ج ۸: ۱۷۳). به خوبی گویای این موضوع است و حتی دولت نباید نظر مردم را آن گونه که خود دوست دارد تفسیر کند. امام رأی دادن را نه تنها حق افراد می داند بلکه آن را تکلیف آن ها نیز محسوب می کند. لذا در بیانات امام خمینی(ره) عمدتاً هر کجا سخن از شرکت در انتخابات آمده است از تکلیف و وظیفه شرکت در انتخابات نیز سخن گفته شده است. یکی از اصول بسیار مهم از نظر امام، بحث آزادی انتخابات است. ایشان بیان می دارند که اگر انتخابات به صورت فرمایشی برگزار گردد، تنها نتیجه ای که در بردارد سلب اعتماد مردم نسبت به حکومت است و حالت بی اعتمادی در قشر نخبگان جوامع ایجاد می گردد.

۲-۲. حق اعتراض و انتقاد

امام خمینی(ره) انتقاد را هدیه ای الهی، امری سازنده و موجب رشد جامعه و انسان می داند و معتقد است که هرگونه انتقاد و اعتراضی اگر به قصد توطئه و انتقام جویی نباشد و با رعایت موازین اخلاق و حدود شرعی صورت گرفته باشد از هر کسی، ولو زمامدار امور مسلمین، جایز است. امام خمینی(ره) انتقاد را برای اصلاح امور لازم می داند و معتقدند «انتقادات آزاد است، به اندازه ای که نخواهند یک کسی را خفیف کنند؛ یا یک گروهی را خفیف کنند و از صحنه خارج کنند، انتقاد برای ساختن، برای اصلاح امور لازم است» (همان، ج ۲۱: ۴۲۹). انتقاد حتی باید از زمامدار جامعه اسلامی نیز صورت بگیرد و او باید در مقابل انتقاد و سوال، جواب قانع کننده ای داشته باشد (همان، ج ۵: ۴۰۹).

اما باید در انتقادات جانب حق و انصاف را نگه داشت و آن را باید از توطئه جدا دانست. «انتقاد بکنید، توطئه نکنید، ما با تضعیف جمهوری اسلامی مخالفیم، تضعیف جمهوری اسلامی، یعنی تضعیف اسلام» (همان، ج ۱۷: ۴۶۳). در مجموع، امام خمینی(ره) از طرح انتقادات و مخالفت‌ها، استقبال می‌نمود و در سیره عملی ایشان تنها در موارد محدودی مشاهده می‌شود که استثنائاً و به دلیل برخی ضرورت‌های مقطعی کشور، افراد و رسانه‌های گروهی را از ورود به اشکال تراشی‌ها نهی نموده است (فخارطوسی، ۱۳۸۵: ۲۷۵). در این‌جا باید توجه داشت که از نظر امام خمینی(ره) بین مصلحت جامعه، امنیت ملی، آسایش و حقوق مردم با مصلحت و امنیت حکام و زمامداران تفاوت وجود دارد. «تفکیک دقیق این دو ضرورتی است اساسی که عدم توجه به آن باعث تبدیل جامعه منتقد و ارزیاب - که از دیدگاه امام خمینی(ره) یک ایده‌آل می‌باشد - به جامعه‌ای مرده و ساکت خواهد گردید» (همان: ۲۷۶).

۲-۳. آزادی احزاب سیاسی

از نظر امام خمینی(ره) اصل آزادی گروه‌بندی سیاسی - اجتماعی و احزاب در چارچوب قانون رسمیت داشته و تا زمانی که گروه‌ها و احزاب به اقداماتی از قبیل توطئه و یا جاسوسی دست نزنند، می‌توانند به فعالیت سیاسی و اجتماعی بپردازند. از اینرو ایشان همواره تأکید می‌کردند که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران تمامی احزاب می‌توانند آزادانه اظهارنظر کنند. «احزاب آزادند که مخالفت با ما یا با هر چیزی بکنند، مادامی که اقداماتشان مضر به کشور نباشد» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۸۲). در مجموع از تبیین دیدگاه امام درباره‌ی احزاب و تشکل‌ها، سه نکته اساسی برداشت می‌شود:

الف) از نظر امام، آزادی تشکیلات اجتماعی و مشارکت در صحنه‌های سیاسی اجتماعی، از اهداف اساسی انقلاب است.

ب) از نظر امام، جمهوری اسلامی، آزادی فعالیت سیاسی - اجتماعی را به گروه‌ها و احزاب داده است. لذا اجازه فعالیت و مشارکت در امور به گروه‌ها و احزاب موجب شده که انقلاب به تمام معنا آزادی‌بخش باشد. ج) مانع اصلی آزادی برخی احزاب و گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی، اقدام به توطئه و طرح‌های براندازی و انجام اقداماتی برخلاف مصالح مردم است. امام(ره) معتقدند که باید به احزاب و گروه‌ها اجازه فعالیت داده شود، مشروط به این که به توطئه و انجام فعالیت‌های مضر به مردم دست نزنند.

باید توجه داشت که دیدگاه امام خمینی(ره) درخصوص برخی فعالیت‌های سیاسی نظیر افزایش سطح مشارکت سیاسی، افزایش آگاهی عمومی و غیره نشان می‌دهد که ایشان با بسیاری از کار ویژه‌ای که احزاب سیاسی عهده‌دار آن هستند کاملاً موافق بوده و نظر مثبتی نسبت به آن‌ها داشته است ولی در عین حال نسبت به برخی فعالیت‌هایی - مانند مبارزه برای کسب قدرت، نمایندگی طبقه و قشر خاص، اعمال نفوذ بر تصمیم‌گیری‌ها در راستای منافع حزبی - که احزاب انجام می‌دهند، نظر مساعدی نداشته‌اند.

۳. حقوق اجتماعی شهروندان در اندیشه امام خمینی(ره)

۳-۱. حق برخورداری از فرصت‌ها و امکانات برابر اجتماعی

برخورداری از فرصت‌ها و امکانات برابر در یک جامعه به معنای مقابله با هر گونه نابرابری اجتماعی است. «نابرابری اجتماعی ناظر به تفاوت‌هایی است میان افراد که بر نحوه زندگی آن‌ها به‌ویژه حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند تأثیر می‌گذارد» (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰). منشاء این تفاوت‌ها می‌تواند متعدد باشد. مالکیت، نژاد، جنس، ثروت، درآمد، قومیت، زبان، وابستگی حزبی، سن و غیره از جمله بنیان‌های نابرابری اجتماعی است. هر جامعه‌ای برای آن‌که افرادش از فرصت‌ها و امکانات برابر زندگی برخوردار باشند می‌بایست تأثیرات بنیان‌ها و اموری را که به نابرابری منجر می‌شود کاهش دهد.

بررسی سیره‌ی نظری و عملی امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که ایشان همواره بر ریشه‌کنی نابرابری‌ها از یک طرف و برخورداری برابر مردم از فرصت‌ها و امکانات زندگی از طرف دیگر تأکید می‌کردند. از این‌رو ایشان شکاف شدید طبقاتی در جامعه را نمی‌پذیرفتند و بر از بین رفتن آن تأکید می‌کردند. ایشان نیمی از راه حل این مسأله را در دست خود مردم دانسته و به آن‌هایی که دارای یک مکتبی هستند تأکید می‌کنند که به وضعیت مستمندان، رسیدگی کنند (صحیفه امام، ج ۸: ۴۷۱). امام، توجه داشتن به شیوه ثروت‌اندوزی و مقدار آن در جامعه و دخالت حاکم مشروع و دولت در نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی افراد به‌منظور گرفتن سهم لازم (تحت عنوان مالیات و یا حتی مصادره و غیره) از درآمد ثروتمندان و توزیع دوباره آن در بین محرومان را به‌عنوان راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد می‌دهند (همان، ج ۱۷: ۴۲۷). امام(ره) همچنین تأکید می‌کنند «در اسلام ترک و کرد و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و... مطرح نیست. اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروه‌ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد» (حبیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۱۹).

۳-۲. حق برخورداری از رفاه اجتماعی

امام داشتن یک زندگی خوب همراه با رفاه را حق همه مردم می‌دانستند. «همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند. در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند. در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند، عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند» (همان، ج ۶: ۵۲۵). حتی در زمان جنگ و در شرایطی که کشور به لحاظ مشکلات داخلی و بین‌المللی در شرایط بد اقتصادی قرار داشت امام همچنان بر تلاش بر بهبود شرایط زندگی مردم و رفاه آنها تأکید می‌کرد (همان، ج ۱۴: ۲۲۸).

از نظر امام خمینی(ره) حقوق اجتماعی شامل همه ایرانیان می‌شود؛ «اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند، بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند. و دیگر این‌که هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرقی ندارد» (همان، ج ۴: ۵۰۸). امام مسأله فقر و شکاف طبقاتی را خطری برای نظام جمهوری اسلامی می‌دانند و تأکید می‌کنند «اگر خدای نخواست جمهوری اسلامی نتواند جبران کند این مسائل اقتصادی را، که اول

مرتبه زندگی مردم است، و مردم مایوس بشوند از جمهوری اسلامی و مایوس بشوند از اینکه اسلام هم برای آن‌ها بتواند در اینجا کاری انجام بدهد، اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود، دیگر نه من و نه شما و نه هیچ‌کس، نه روحانیت و نه اسلام، نمی‌تواند جلویش را بگیرد» (همان، ج ۱۰: ۳۳۵).

۳-۳. حق برخورداری از عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی ناظر به توزیع عادلانه امکانات و ثروت بین افرادی است که دارای حقوق برابرند (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۲۷). این که نحوه توزیع منابع و امکانات به چه نحوی باشد، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. این دیدگاه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول آن‌هایی هستند که عدالت را به مثابه مساوات‌طلبی محض بین همه افراد در نظر می‌گیرند (مانند دیدگاه‌های جمع‌گرایانه و مارکسیستی)؛ در مقابل این دیدگاه، دسته دوم بر این باور هستند که چون افراد به لحاظ هوش، استعداد و لیاقت در درجات متعددی قرار دارند بنابراین یابستی در سهم بردن از منابع و امکانات هم متفاوت از هم باشند و ملاک این تفاوت توان، شایستگی، استعداد و لیاقت افراد است که میزان بهره‌مندی آنها را از منابع مشخص می‌سازد (مانند دیدگاه‌های فردگرایانه و لیبرالی). در بین این دو، دیدگاه بینابینی قرار دارد که نه برابری مطلق را قبول دارد و نه نابرابری محض را. ویژگی این دیدگاه این است که در توزیع منابع و امکانات تنها به یک جنبه فرد یا جمع اتکا پیدا نمی‌کند. نظر امام خمینی (ره) در خصوص عدالت را باید در گروه دیدگاه‌های بینابینی قرار داد (میرسندسی، ۱۳۷۶: ۸۰).

موضوع عدالت اجتماعی برای امام خمینی (ره) موضوعی محوری است و حتی به نوعی هدف جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. امام در طول دوران مبارزه علیه رژیم شاه همواره از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه شکوه کرده و برخی از جنبه‌های بی‌عدالتی مانند شکاف شدید طبقاتی و فاصله زیاد میان فقیر و غنی، عدم تقسیم عادلانه ثروت و درآمد و در نتیجه فقر و محرومیت اکثریت اعضای جامعه، برخورداری اقلیتی خاص از امکانات و فرصت‌های آموزشی در برابر محرومیت اکثر افراد جامعه را متأثر از سیاست‌های رژیم شاه دانسته و از این جهت حکومت پهلوی را مورد انتقاد قرار می‌داد و تأکید می‌کرد که در حکومت اسلامی این محرومیت‌ها از جامعه رخت بر بسته، توزیع ثروت و درآمد براساس عدالت اسلامی صورت خواهد گرفت و اختلاف طبقاتی و نابرابری بین فقیر و غنی از بین خواهد رفت.

حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اندیشه امام به معنای برابری محض افراد با یکدیگر نیست. ایشان متحقق ساختن عدالت بر اساس اندیشه‌های اسلامی را نه به معنای آزادی کامل فرد برای انباشت ثروت و نه بر اساس برابر انگاری محض با یکدیگر می‌دانستند، بلکه در عین حال که به افراد برای استفاده از استعداد و قوه خلاقیت و ابتکار اختیار و آزادی می‌دهند وجود فقر و محرومیت در جامعه اسلامی را شایسته نمی‌دانند. در واقع باید مطابق نظر امام، سازوکارهایی برای فعالیت اقتصادی افراد در نظر گرفته شود که از بین برنده شکاف شدید طبقاتی در جامعه باشد و به تعبیر معظم له «یک زندگی متوسطی برای تمام افراد» فراهم آید (میرسندسی، همان: ۸۲). به عقیده امام خمینی (ره) «مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه جانبه

پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود؛ هم مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسد شدن یک عده به‌وسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها نمی‌شود» (صحیفه امام، ج ۵: ۳۸۳).

نتیجه‌گیری

آنچه امروزه با عنوان «حقوق شهروندی» در اندیشه متفکرین سیاسی و اجتماعی صورت‌بندی شده است مقوله جدیدی است؛ اگرچه بخشی از مصادیق آن قبلاً در مباحث مربوط به «حقوق بشر» توسط اندیشمندان مطرح گردیده و در قوانین اساسی کشورها وارد شده است. افراد به صرف انسان بودن برخوردار از حقوق‌اند اما شهروند بودن و عضویت آنها در یک دولت-ملت نیز آنها را برخوردار از حقوق (و تکالیف) دیگری می‌سازد. شهروندی برآیند ارتباط فرد و دولت است و محتوای آن بر حسب کیفیت و چگونگی این ارتباط تعیین می‌شود. حقوق شهروندی سویه مهم و اصلی این رابطه است و کم و کیف آن در نزد هر متفکری برخاسته از دیدگاه وی نسبت به چگونگی این رابطه و دستگاه معرفتی اوست. در نزد امام خمینی(ره) شهروندان برخوردار از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی کثیری هستند که دولت موظف است نسبت به تأمین و پاسداری از آنها اقدام کند. این حقوق علیرغم این‌که در آثار و بیانات ایشان ذیل مفهوم «حقوق شهروندی» نیامده‌اند، اما محورها، شاخص‌ها و مصادیق آن همان‌گونه که مرور گردید، به کرات از سوی ایشان یاد شده و مورد تأکید قرار گرفته است.

منابع

- بجنوردی، سیدمحمد و مهریزی ثانی، محمد (۱۳۹۲)، حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی(ره)، پژوهشنامه متین، شماره ۶۱.
- توسلی، غلامعباس و نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۳)، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۱)، حقوق در اندیشه امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تبیان، دفتر چهل و نهم.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۴)، صحیفه امام (۲۲ جلد)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ و نشر عروج.
- خوئینی، غفور (۱۳۸۶)، حقوق شهروندی و توسعه پایدار، تهران: نشر فرهنگ صبا.
- رضوی، محمد و خزایی، سیدعلی (۱۳۸۷) حقوق شهروندی در فرایند کشف جرم، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۴.
- روشه، سباستین (۱۳۸۰) جامعه غیرملنی، ترجمه محمود عباسی، تهران: انتشارات حقوق.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی(ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۰)، ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۵.
- صرامی، سیف‌الله (۱۳۸۵)، حقوق مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی(ره)، تهران: چاپ و نشر عروج.
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ توکلی، محمد مهدی (۱۳۸۶) حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام، فصلنامه حقوق، شماره ۴.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶)، اقتراح؛ عدالت در گفتگو با دانشوران، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۲ و ۳.
- فالکس، کیت (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فیتزپاتریک، تونی (۱۳۸۱)، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات گام نو و موسسه عالی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، مبانی حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر.
- کاستلز، استفان؛ آلیستر دیویدسون (۱۳۸۲)، مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاظمی، سیدعلی (۱۳۸۸)، حقوق شهروندی در قوانین و مقررات ایران، به نقل از مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- کلمن، جیمز اس (۱۳۸۰)، نشانگان توسعه: انفکاک ساختاری - برابری - ظرفیت، در کتاب پای لوسین و دیگران، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گرب، ادوارد (۱۳۷۳)، نابرابری اجتماعی، ترجمه محمد سیاهپوش و احمد غروی‌زاده، تهران: نشر معاصر.
- مؤتمن طباطبایی، منوچهر (۱۳۸۱)، آزادی‌های عمومی و حقوق اساسی، تهران: دانشگاه تهران.

- معظمی، شهلا (۱۳۸۸)، street law و حقوق شهروندی، در مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- میرسندهی، سیدمحمد (۱۳۷۶) درآمدی بر نظریه عدالت امام خمینی(ره) در عرصه‌ی اقتصادی، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی(ره) و احیاء تفکر دینی.
- نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان
- یوسفی، علی و مژگان عظیمی‌هاشمی (۱۳۸۷)، احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴.
- Janson, Thomas and Brian Gran(2002) Political Citizenship: Foundation of Rights, in Handbook of Citizenship Studies, London: Sage Publications.